

رابطه هوش عاطفی با سبک های تدریس و رضایت شغلی معلمان مقطع ابتدایی مدارس

شهر کهنوج

طاهره اسلامی نژاد^۱، نسیم سعید^۲، زینب مهدوی نیا^۳

۱-عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه پیام نور

۲-عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه پیام نور

۳-کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه هوش عاطفی با سبک های تدریس و رضایت شغلی معلمان مقطع ابتدایی مدارس شهرستان کهنوج سال ۹۷-۱۳۹۶ انجام شد. **روش:** این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بوده است؛ جامعه مورد مطالعه در این پژوهش کلیه ۴۱۷ نفر معلمان مقطع ابتدایی مدارس شهرستان کهنوج بوده است، از میان جامعه آماری پژوهش بر اساس جدول مرگان، نمونه ای به حجم ۱۹۶ نفر به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های رضایت شغلی مینه سوتا، ترجمه محمدی (۱۳۹۰) و پرسشنامه هوش عاطفی بهرامی (۱۳۸۱) و سبک تدریس گراشا و ریچمن (۱۹۹۶) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از آزمون های همبستگی پیرسون و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شد. **یافته ها:** نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان داد که بین هوش عاطفی و رضایت شغلی معلمان مقطع ابتدایی در سطح معنی داری ۰/۰۰۵ رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین آزمونهای آماری صورت گرفته بر روی داده های این مطالعه، بیانگر وجود رابطه معنی دار بین هوش عاطفی و سبک تدریس معلمان مقطع ابتدایی می باشد. **نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین هوش عاطفی و سبک تدریس و رضایت شغلی معلمان ارتباط معنی داری وجود دارد، با توجه به این که متخصصان این حوزه پژوهشی بر این باورند که هوش در این زمینه ثابت نیست بلکه بسیار منعطف بوده و با ایجاد فرصت و آموزش های مناسب قابل توسعه و گسترش می باشد، لذا با توجه به تاثیر هوش عاطفی بر سبک تدریس معلمان، پیشنهاد می شود برنامه آموزشی در جهت تقویت و بهبود مهارت های مرتبط با هوش عاطفی گنجانده شود و همچنین در گزینش معلمان بر این توانایی ها و مهارت ها تاکید بیشتری شود.

واژه های کلیدی: هوش عاطفی، رضایت شغلی، سبک تدریس.